

اللَّهُمَّ آيَاكَ نَعْبُدُ وَآيَاكَ نَسْتَعِينُ

آموزش زبان فارسی ۱

دانشگاه فرهنگیان سلماس

مدرس: ایرج افراسیابی

گروه ۱۹

قسمت دوم

دانشجویان عزیز :

مطالب را به صورت دقیق مطالعه نمایید و ضمن طرح **۳۰ سوال تشریحی و تستی (به همراه پاسخ)** از طریق زیر جهت بررسی ارسال کنید:

ارسال به ایمیل : iraj.afrazyabi@gmail.com

مهلت ارسال : ۳۰ اردیبهشت ۹۹ (ارسال بعد از تاریخ اعلامی مورد قبول نخواهد بود)

ذکر دقیق مشخصات (نام و نام خانوادگی ، شماره دانشجویی و گروه کلاسی) الزامی است

توجه : سوال و پاسخ ها به صورت تایپ شده و در قالب word و pdf ارسال شود.

ساخت جمله در زبان فارسی معیار

دانش آموزان ضمن یادگیری مسایل مربوط به ساخت آوایی و صرفی باید با ساختار جمله های زبان فارسی هم آشنا شوند، چرا که واحد اصلی ارتباط زبانی جمله است و آن واحدی است که محمل پیام های گوینده یا نویسنده قرار می گیرد. برای نگارش و خواندن صحیح متن نیز جمله اساسی ترین نقش را ایفا می کند و با پیوند جمله ها است که متون زبانی شکل می گیرد.

در آموزش زبان فارسی دوره ابتدایی آموزگاران باید برنامه تدریس خود را طوری سامان دهند که دانش آموزان را به طور غیرمستقیم با نحوه ساخت جمله های فارسی آشنا سازند.

ماهیت جمله

جمله یک واحد زبانی قاعده مند است که از یک یا چند کلمه ساخته می شود. مثل ایران را مدرسه کنیم ، محسن امروز از شیراز باز می گردد.

بنابراین می توان گفت عناصر سازنده جمله مجموعه ای از واژه های قاموسی و دستوری هستند. البته باید دانست که جمله مجموعه ای بی سامان از عناصر یاد شده نیست بلکه همنشینی عناصر سازنده جمله تابع محدودیت ها و اصول خاصی است. به بیان دیگر ، جمله توالی اتفاقی کلمات نیست بلکه یک واحد زبانی ساختمان مند می باشد. در نتیجه در آموزش زبان فارسی باید قواعد ترکیب عناصر سازنده و انواع گونه های فارسی در زبان فارسی به دانش آموزان ارائه شود.

اگر جمله دارای ساخت مبتنی بر قواعد نحوی زبان نبود باید هر دسته واژه ای که کنار هم قرار داده می شدند و می توانستند یک جمله بسازند، ولی در عمل مشاهده می کنیم که چنین تصویری صحیح نیست. مثال زیر نشان می دهد که صرف در کنار هم قرار گرفتن کلمات موجب تولید جمله فارسی نمی شود، بلکه گروه های زبانی باید به طور صحیح کنار هم قرار بگیرند و سپس با ترکیب این گروه ها و نه واژه های زبانی منفرد، جمله صحیح ساخته شود:

بزرگ من کفش است این برای ◀ این کفش برای من بزرگ است.

ساخت متن زبان فارسی معیار

متن به ساخت زبانی بالاتر از جمله اطلاق می‌شود. مطالب مرتبط فراتر از جمله را می‌توان متن محسوب کرد. مثل پاراگراف، مقاله، داستان، گفت و گو، آگهی، دعوت نامه و

در درس زبان فارسی و البته کتاب‌های دیگر دانش آموزان علاوه بر حروف الفبا، واژگان و جمله‌های زبان، با متن رو به رو هستند و با کمی دقت نظر می‌توان به این امر واقف شد که هدف اساسی آموزش زبان فارسی خواندن و نوشتن متون مختلف است و آموزش‌های مربوط به حرف شناسی، واژه شناسی و جمله شناسی همگی مقدمه یادگیری تولید و ادراک متون زبانی هستند. بنابراین لازم است آموزگاران دوره ابتدایی نسبت به این ساخت زبانی هم آشنایی کافی داشته باشند.

انسجام متن

متن عبارت است از یک یا چند جمله که دارای معنا و پیامی باشد. ولی واضح است که همه جملاتی که به صورت متوالی کنار هم قرار گرفته باشند تشکیل متن نمی‌دهند. بین جمله‌های یک متن روابط معینی برقرار است که آن متن را از مجموعه جمله‌هایی که به طور تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند جدا می‌سازد. مجموعه این روابط را که آفریننده متن هستند "انسجام متنی" می‌نامند. انسجام متن شامل روابط معنایی است که به وسیله آن پیوندی بین جمله‌ها باهم برقرار می‌شود. بنابراین در زبان چند عامل انسجام وجود دارد که جمله‌ها و بخش‌های دیگر و متن را به هم مرتبط می‌کند. پس باید گفت برای اینکه جمله‌ها دنباله یکدیگر قرار گیرند و متنی معنادار را تشکیل دهند، آن جمله‌ها باید ترتیب معینی داشته باشند و همچنین از لحاظ معنی و عملکرد (نقش) با هم مرتبط باشند.

عوامل انسجام متن به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) انسجام دستوری که عبارت است از ارجاع و حذف

ب) انسجام لغوی که عبارت است از تکرار و همایش

ج) انسجام معنایی و منطقی جمله‌ها که عبارت است از عناصر افزایشی، زمانی، توضیحی، تناوبی و تطبیقی

الف) انسجام دستوری

(۱) ارجاع؛ منظور از ارجاع، ویژگی برخی از کلمات است که درک و تفسیر معنای آنها بدون رجوع به عناصر دیگر امکان پذیر نیست. مانند :

حسن از دوستان من است من و او در یک دبیرستان درس می خواندیم .

در مثال بالا عامل ارجاع او جمله اول را به جمله دوم پیوند زده است. ارجاع ممکن است پیشینی باشد یعنی مرجع ضمیر قبل از ضمیر واقع شده باشد و ممکن است پسینی باشد یعنی مرجع ضمیر بعد از خود ضمیر واقع شود.

عناصر ارجاعی سه دسته اند:

الف) ارجاع شخصی: مثل من، تو، او،، مرا، تو را، و ضمائر متصل مثل م در کتابم .

ب) ارجاع اشاره ای: مثل این، آن، این جانب، آنها، آنجا

ج) ارجاع مقایسه ای: که خود دارای چند گونه است: مقایسه کلی، مثل همین و همان؛ مقایسه ویژه: مثل بهتر و بیشتر؛ تفاوت: مثل دیگر، اما و از سوی دیگر و بالاتر؛ شباهت: مثل شبیه، مانند و همچنین .

(۲) حذف: اگر در یک متن، عنصری با توجه به عنصر قبلی حذف شود می گوئیم از عامل انسجام متنی حذف سود برده شده است، مانند:

می خواهم سیب بخورم، حسن هم & می خورد .

در مثال بالا جمله دوم به وسیله عامل انسجام حذف سیب به جمله اول مربوط شده است.

ب) انسجام لغوی

(۱) تکرار. یکی از راه های انسجام متن تکرار یک مفهوم در داخل متن است . این امر با دو روش در زبان فارسی انجام می پذیرد، یکی تکرار عین واژه و دیگری تکرار واژه های مترادف که شامل واژه قبلی شود .

۲) همایش . عبارت است از با هم آمدن یا ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند، مثل چنگال، بشقاب، قاشق و قابلمه که به حوزه معنای آشپزی تعلق دارند. این گونه ارتباط معنایی بین کلماتی که با هم در یک متن واقع می‌شوند باعث به وجود آمدن انسجام متن می‌گردد.

ج) انسجام معنایی و منطقی جمله‌ها، عوامل آفریننده انسجام متن علاوه بر عناصر یاد شده در انسجام دستوری و لغوی، شامل "روابط معنایی و منطقی" موجود در میان جمله‌های سازنده یک متن نیز می‌شود. مثلاً یک جمله مسئله‌ای را مطرح می‌سازد و جمله بعدی دلیل، نتیجه و یا شرایطی برای آن ارائه می‌دهد یا مطلبی بر آن می‌افزاید و گاهی مثال، نمونه و یا نکته مقابلی برای آن مطلب عرضه می‌کند. اگر چنین ارتباطی بین جمله‌های یک متن وجود نداشته باشد متن بی‌شبهت به زیان یا گفتار بیماران روانی و اشخاصی که تعادل فکری ندارند نخواهد بود.

کلیاتی درباره خط و انواع آن

تا پیش از ابداع خط، انسان‌ها فقط از دو مهارت زبانی، یعنی گفتن و شنیدن برای ایجاد ارتباط استفاده می‌کردند. اما از حدود ۱۰ هزار سال پیش که اولین خطوط ساده نوشتاری ابداع شد توانایی جوامع انسانی در ایجاد ارتباط صد چندان گردید. بنابراین می‌توان گفت: "خط به عنوان یک وسیله ثانوی برای نمایاندن عناصر آوایی زبان به وجود آمده است."

اگر زبان را دارای دو جنبه گفتاری و نوشتاری بدانیم، خط مربوط به جنبه نوشتاری زبان است. معمولاً خط را مهمتر از زبان گفتاری می‌دانند زیرا از طرفی نوشتار سنجیده‌تر از گفتار است و در هنگام نوشتن امکان تفکر، سنجش و تجدیدنظر وجود دارد و از طرف دیگر آثار معتبر ادبی و متون مذهبی و میراث فرهنگی از طریق نوشتار در دسترس جامعه قرار می‌گیرد. اما بنا بر دلایلی که مورد تایید اکثر زبان‌شناسان است جنبه گفتاری زبان اصل و جنبه نوشتاری آن فرع است. این دلایل عبارتند از:

۱. تمام جوامع انسانی دارای زبان گفتاری هستند، اما همگی لزوماً دارای خط یا نظام نوشتاری نیستند.

۲. در برخی جوامع انسانی که دارای نظام نوشتاری هستند افرادی یافت می‌شوند که در عین حال که به جنبه گفتاری زبان آن جامعه کاملاً تسلط دارند به دلیل بی‌سوادی هیچ گونه آگاهی و مهارتی نسبت به خط آن جامعه ندارند. ۳.

قدمت خط در تاریخ بشری به حدود ۱۰ هزار سال پیش برمی گردد ولی پیدایش جنبه گفتاری زبان را حتی اگر از آغاز حیات انسان فرض نکنیم باید بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون سال بدانیم.

۴. کودکان ما نخست جنبه گفتاری زبان را می آموزند و سپس با آموزش آگاهانه به اصول حاکم بر نظام آوایی زبان پی می برند.

۵. ممکن است در جامعه ای (مثل کشور ترکیه) خط بر اثر تحولات سیاسی و تصمیم مسئولان دولتی تغییر کند ولی جنبه گفتاری زبان تقریباً هیچ گاه از تغییر خط تأثیر نمی پذیرد.

اهمیت ابداع خط تا حدی است که تاریخ ابداع آن به عنوان مبدا تاریخ انتخاب شده است و زمان پیش از آن را ماقبل تاریخ می نامند.

تحولات خط در جهان از ۵۰ هزار سال پیش تاکنون از چهار مرحله گذشته است :

الف) تصویرنگاری ؛ انسانها با خط تصویری شروع به بیان افکار خود کردند، آثاری از این تصویرها در غارهایی که در مناطق مختلف جهان (جنوب فرانسه، اسپانیا، آمریکای شمالی و آسیا) کشف شده اند دیده می شود. تصویرنگاری شامل رسم تصاویر واقعی اشیاء و جانداران (گیاهان، حیوانات و انسان) است. مردمان قدیم بدین صورت با هم ارتباط برقرار می کردند و افکار درونی خود را ابراز می نمودند، قدمت برخی تصاویر مربوط به این خط را بین ۴ تا ۶ هزار سال پیش تخمین زده اند.

ب) خط اندیشه نگار (خط ترکیبی)؛ این خط به صورت تحول یافته و پیشرفته خط تصویر نگار بود. در این خط هر علامت در مقابل شیء، پدیده و یا یک تصور ذهنی به کار می رفت. تفاوت خط اندیشه نگار با خط تصویر نگار در این بود که تصاویر در خط اندیشه نگار در یک زنجیره مرتبط رسم می شد و به جای دلالت بر یک "کلمه" بر یک "متن" مثلاً یک داستان یا شعر دلالت می کرد. در این خط بر خلاف خط تصویری هیچ ارتباطی بین شیء نقاشی شده و نام آن وجود نداشت. بدین معنی که بین نشانه خطی و نمایش آوایی آن ارتباط دوسویه وجود نداشت. مصریان قدیم پیش از ابداع خط هیروگلیف از خط اندیشه نگار استفاده می کردند.

ج) خط تحلیلی (انتقالی)؛ این خط احتمالاً آغازگر نوشتار نظام یافته بوده است و تقریباً تمام نظامهای خطی دنیای قدیم از این خط سرچشمه گرفته است. در خط تحلیلی تصاویر خط اندیشه نگار ساده سازی شدند و به صورت نشانه ای برای نام آن شیء یا جاندار در آمدند. این نشانه ها به صورت قراردادی در میان هر گروه از مردم پذیرفته شده بود و از این طریق ارتباط نوشتاری به شکل تسهیل یافته ای بین مردم برقرار شد. خط میخی، خطوط هیروگلیف، خطوط چینی، مایایی همگی بدین شکل پدید آمده اند. اما مهمترین خطوط تحلیلی؛ خط میخی، سومری، اکدی، بابلی و فارسی باستان هستند. خط میخی تا حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد. یعنی ۲۶۰۰ سال پیش هم رونق داشته است. قدمت خط مصری (هیروگلیف) به حدود سه هزار سال پیش می رسد. مصریان اولین مردمی بودند که از ماده ای به نام پایروس (نخستین نوع کاغذ) برای نوشتن استفاده کردند.

د) نظام های خطی الفبایی. در این نظام های نوشتاری، نشانه های حروف الفبا، نماینده صداهای زبان (صامت ها و مصوت ها) هستند. اما البته در بیشتر این نظامها در همه موارد تناظر یک به یک بین حروف الفبا و آوای زبان گفتاری وجود ندارد. خطوط عربی و فارسی امروز و خط لاتین از جمله مشهورترین و پرکاربردترین خطوط آوایی هستند. نخستین خط الفبایی خط فینیقی است که خط عربی کنونی صورت متحول شده آن است و البته خط فارسی امروز نیز از آن ریشه گرفته است.

این خط در سه شاخه زیر متبلور شده است :

۱. نظام الفبای عربی و عبری

۲. نظام براهمی، که هنوز در هندوستان و قسمت بزرگی از آسیا به کار می رود. ۳. نظام الفبای یونانی، که همه خط های جدید اروپایی و آمریکایی از آن به وجود آمده اند.

زبان فارسی امروزی

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی با این زبان و خط نوشته می شود. ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

مدّس: ایرج افراسیابی

ویژگی های نظام نوشتاری فارسی امروز

نظام نوشتاری فارسی از راست به چپ نوشته می شود. این نظام دارای دو نوع نشانه اس:ت نشانه های حرفی و نشانه های زیر و زبری.

الف) نشانه های حرفی؛ اسامی این دسته از نشانه ها از قرار زیر است: الف، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، دال، ذال، ر، ز، ژ، سین، شین، صاد، ضاد، طا، ظا، عین، غین، ف، قاف، کاف، گاف، لام، میم، نون، واو، ه، ی.

از بین این حروف بعضی به یک شکل، بعضی دو شکل، بعضی سه و بعضی به چهار شکل نوشته می شوند.

ب) نشانه های زیر و زبری؛ اسامی این دسته از نشانه ها عبارت است از: تشدید، تنوین و علامت همزه. این نشانه ها در همه جا دارای یک شکل هستند. تشدید علامتی که برای نشان دادن فرآیند تولید ناقص به صورت تشدید (ّ) روی نشانه های حرفی قرار می گیرد. تنوین نماینده دو آوا است، (مصوت a به اضافه صامت n) مانند: معمولاً و تقریباً. علامت همزه هم گاهی به تنهایی و گاهی در روی نشانه های حرفی الف، واو و دندانه ظاهر می شود. مانند: شیء، جرات، سوال و تبرئه.

اصول نشانه گذاری در زبان نوشتاری فارسی

نشانه گذاری استفاده از مجموعه علامت هایی است که در زبان نوشتاری برای نشان دادن حالات درونی نویسنده و تعیین کیفیت کلام در حالات تعجب، امر، پرسش، مکث و ... به کار برده می شود. به طور کلی می توان گفت نشانه گذاری موارد زیر را در بر می گیرد.

الف) نشانه ها ابزاری مناسب در دست نویسنده هستند که از آنها به جای مواردی چون تکیه و آهنگ در زبان گفتاری سود می جوید. مثلاً تفاوت های جمله های خبری و پرسشی در زبان گفتاری در این است که آهنگ جمله های خبری "افتان" و آهنگ جملات پرسشی "خیزان" است. اما رعایت این نکته در زبان نوشتاری ممکن نیست. برای

مقابله با این محدودیت زبان مکتوب به جای آهنگ افتان و آهنگ خزان به ترتیب از نقطه برای جمله های خبری و علامت سوال برای جمله های پرسشی استفاده می کنیم .

ب) همچنین نشانه گذاری از لحاظ دستوری می تواند نشان دهنده پایان خبر، اتصال یا جداسازی عناصر زبانی، نقل قول و مواردی از این قبیل باشد.

ج) نشانه گذاری باعث می شود خواننده به خصوص خواننده مبتدی (دانش آموزان دوره ابتدایی) صحیح تر و با سهولت بیشتری نوشته ها را بخوانند و مفاهیم آن را هم راحت تر در کنند.

از مهمترین مواردی که در برنامه آموزش زبان فارسی به خصوص در درسهای جمله نویسی و انشا باید مورد توجه آموزگاران دوره دبستان قرار گیرد آشناسازی دانش آموزان با جایگاه های مناسب انواع نشانه های زبان مکتوب است.

این نشانه ها معمولاً به صورت عام در انواع نوشته های فارسی امروز کاربرد واحدی دارند. مهمترین علامت هایی که در این قسمت به آنها اشاره می کنیم عبارتند از: نقطه ، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه ، گیومه ، پرانتز یا کمان، نشانه پرسش، نشانه عاطفی (!)، خط فاصله (_) ، نشانه تعلیق (...) .

نحوه به کار گیری تعدادی از نشانه های نگارشی:

نقطه (.)

نقطه در موارد زیر به کار می رود:

* در پایان جمله خبری، مانند : کار امروز را به فردا میفکن .

* در کوتاه نویسی نام ها و عناوین، مانند:

ع. اقبال آشتیانی (عباس اقبال آشتیانی)

نشانه پرسشی (?)

نشانه پرسشی در موارد زیر به کار می رود:

پس از جمله پرسشی، مانند: از معده خالی چه قوت آید و از دست تهی چه مروت؟

*نشانه تعجب (!)

نشانه تعجب در موارد زیر به کار می رود:

- پس از اصوات ،مانند :حاشا! آفرین! زهی!

- در پایان جمله تعجبی ،همچنین برای نشان دادن تحسین، تحقیر و استهزا و عواطفی نظیر آنها، مانند: به به از آفتاب عالمتاب! چه هوای خوشی!

- برای برحذر داشتن یا تاکید مانند: به هوش باش! زود باش!

*ویرگول یا کاما (،)

برای کاربرد ویرگول قواعد بسیاری نهاده شده است که در یک قاعده کلی می توان گفت که هر آنجا که گوینده یا نویسنده در گفتار یا نوشتار خود مکث می کند و بدین سان جزئی از اجزای جمله را از اجزای دیگر آن جدا می سازد نهاده می شود .

از این قاعده کلی می توان گفت که ویرگول در موارد زیر به کار می رود:

- پس از منادا ، مانند : ای پسر ،خیال محال از سر به در کن

- برای جدا کردن و در عین حال ایجاد ارتباط میان اجزای همپایه در یک جمله ،مانند :

-اجزای اسمی: سرداران ،برادران ،خواهران، به شهر ما خوش آمدید.

- اجزای وصفی: مردی آزموده ،جهان دیده ،تلخ و شیرین روزگار چشیده .

-اجزای قیدی : شب و روز ، تنها یا در جمع ، آشکارا و نهانی ، یاد خدا می کرد.

- برای جدا کردن عبارت توضیحی : در این ناحیه، انواع غلات ، به ویژه گندم ، کشت می شود.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی، مانند: شنبه ۱۴ مهر ،نشانی: شماره ۱۵، خیابان انقلاب، تهران (ایران)

نقطه ویرگول (؛)

نقطه ویرگول در موارد زیر به کار می رود.:

-برای جدا کردن و در عین حال ایجاد ارتباط میان جمله های هم پایه ای که در درون خود آنها نشانه دیگری (مثلاً ویرگول) به کار رفته است. مانند:

تا بیمار را صحتی کامل پدید نیاید، از خوردنی مزه نیابد ؛ و جمال، تا بار گران نهاد، نیاساید؛ و مردم هزار سال، تا از دشمن مستولی ایمن نگردید، گرمی سینه او نیارآمد.

-در پایان هر شاهد از یک مجموعه شواهد اگر به صورت جمله نیامده باشد. مانند: چار کس از چرا کس به رنج اند : حرما از سلطان ؛ دزد از پاسبان ؛ فاسق از غماز ؛ روسپی از محتسب.

دو نقطه (:)

دو نقطه در موارد زیر به کار می‌رود:

- پیش از مجموعه ای از شواهد، مثال ها، اقسام و اجزاء مانند: و این شراب انواع دارد: شراب محبت، شراب عشق، شراب وصال، شراب جمال

- پیش از عبارت توضیحی در بیان یا تایید مطلبی مانند: نتیجه این حادثه دور از انتظار بود: که دولت استعفا داد

- پیش از قول مستقیم اگر با حرف ربط " که " آغاز نشده باشد. مانند: گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

- برای جدا کردن اجزای ساعت. مانند: ۱:۳۵ بعد از ظهر.

خط تیره (-)

خط تیره در موارد زیر به کار می‌رود:

-برای جدا کردن عبارات معترضه (یعنی عبارتی خارج از موضوع آن را میان کلام می‌آورند) مانند: یک روز تمام -اگر حاجت باشد دو روز - برای انجام دادن این کار فرصت دارید

-برای جدا کردن کلمه و عبارت توضیحی یا تاکیدی. مانند: شهر و هر آنچه در آن بود- ساکنان و چهارپایان و بناها - در آتش سوخت

- به جای تا و برای بیان فاصله های زمانی، مکانی و مقداری. مانند: قطار تهران- مشهد

تاریخچه و اهمیت زبان فارسی :

زبان های انسانی در گروه هایی به نام خانواده زبانی طبقه بندی می شوند. زبان هایی که در یک خانواده قرار می گیرند از یک زبان مشترک ریشه گرفته اند .

زبان های هندواروپایی گویش ترین خانواده زبانی در دنیای امروز است که زبان فارسی نیز به آن تعلق دارد. فارسی یکی از زبانهای هندو اروپایی در شاخه زبانهای ایرانی جنوب غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن می گویند.

فارسی از نظر شمار و تنوع ضرب المثل ها در میان سه زبان اول جهان است دامنه واژگان و تنوع واژه ها در فارسی هم چنین بسیار بزرگ و پرمایه می باشد .

زبان فارسی از زبان قدیمی تر فارسی میانه یا پهلوی و آن نیز خود از فارسی باستان نشأت گرفته است فارسی میانه به عنوان گویش رسمی در زمان ساسانیان در دیگر سرزمین های ایرانی گسترش زیادی یافته است به طوری که در خراسان بزرگ جایگزین زبان های پارتی و بلخی شد.

زبان فارسی پس از عربی زبان دوم اسلام است و امروزه هم که گروندگان به اسلام در چین و دیگر نقاط آسیا، فارسی را به عنوان زبان دوم متون اسلامی پس از عربی می آموزند.

فارسی نوین (معاصر) :

عده ای بر این باورند که ادبیات فارسی از دوره مشروطیت به بعد با ادبیات فارسی دوره قاجار و صفویه و ماقبل آن متفاوت است و به ویژه با تأسیس فرهنگستان زبان فارسی ایران در سال ۱۳۱۳ ه.ش و شروع نهضت ترجمه در ایران یک دوره نوین در زمان فارسی به وجود آمده است که گرایش عملی تری به برگشت به پاکی و خالص سازی زبان فارسی از عبارات و اصطلاحات پیچیده عربی دارد.

زبان معیار و ویژگیهای آن:

هر زبانی به مقتضای شرایطی چون تعلق اهل آن به منطقه جغرافیایی و طبقه اجتماعی معین و جنسیت و قومیت و سن و تحصیلات سخنگویان دارای گونه های متعدد است که از میان آنها یک و احياناً چند نمونه از اعتبار بیشتری برخوردارند و به عنوان زبان مشترک پذیرفته شده اند

کسانی که این گونه های خاصی را به کار می برند از منزلت ممتازی برخوردار می گردند. از این رو سخنگویان سایر گونه ها به تقلید از زبان آنها گرایش پیدا می کنند این گونه خاص، زبان معیار نامیده و در جامعه شناسی زبان از آن بحث می شود.

زبان معیار آن گونه زبانی است که در مطبوعات به کار می‌رود و در مدارس تدریس می‌شود و علاوه بر این، زبان گونه‌ای است که افراد تحصیل کرده بدان تکلم می‌کنند و در پخش اخبار و سایر موقعیت‌های مشابه به کار می‌رود.

زبان معیار گونه‌ای معتبر از یک زبان است که بیشتر به وسیله گویندگان تحصیل کرده‌ای که در مراکز فرهنگی و سیاسی یک کشور زندگی می‌کنند به کار می‌رود. اینگونه غالباً زبان رسمی در آموزش، رسانه‌های گروهی، نوشتار و سایر موقعیت‌های مشابه است.

آن گونه زبانی را که به قلمرو ملی و فراگیر اختصاص دارد و در میان همه فارسی‌زبانان تحصیل کرده مشترک است زبان معیار می‌نامیم.

زبان معیار زبانی است که در ورای لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در یک کشور قرار دارد و وسیله ارتباط اجتماعی، علمی و ادبی کسانی است که ممکن است در شرایط دیگر به لهجه‌های محلی یا اجتماعی خاص خود تکلم کنند این زبان، معمول همان زبان درس خوانندگان است و غالباً با زبان نوشتار یکی است.

زبان معیار یک گونه مدون و تثبیت شده زبان است که از سوی بخش قابل ملاحظه‌ای از یک جامعه زبانی به عنوان الگو پذیرفته شده و به کار می‌رود و دارای ویژگی‌هایی از قبیل ثبات، انعطاف پذیری دقت یا پختگی است.